

## **Capital, Character and Field of Literary Production in Salman Herati's Poetry**

**Shahram Ahmadi\***

**Fatemehsadat Mirzade\*\***

### **Abstract**

The sociology of literature, which studies the production and social consequences of literature, as an interdisciplinary science, is related to literature, linguistics, and philosophy on the one hand, and to the social and historical sciences on the other. . Since after the victory of the revolution, sparks were created in social poetry and the social poetry of the revolution was formed as a powerful and well-established current, this study tries to use Bourdieu's theory of character and field and qualitative-descriptive analysis method. To examine the three main components of character, field and capital in Salman Herati's poems. According to the results of this research, Herati poetry as a poet's action is the result of the relationship between his character and position in the political, social and literary fields. As a revolutionary poet, in some of his poems he criticizes and protests against the unhealthy state of society, the class distance existing at that time, and Westernism. In the meantime, poetic acts with the theme of love and affection towards the Imams, the Supreme Leader, the martyrs, etc. have been used more prominently.

**Keywords:** Sociology of Literature, Character, Field, Capital, Action, Herati.

\* Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Mazandaran University  
(Corresponding Author), sh.ahmadi@umz.ac.ir

\*\* Master of Persian Language and Literature, University of Mazandaran, ahmadish52@gmail.com

Date received: 06/02/2021, Date of acceptance: 10/10/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



## سرمایه، منش، و میدان تولید ادبی در شعر سلمان هراتی

شهرام احمدی\*

فاطمه سادات میرزاده\*\*

### چکیده

جامعه‌شناسی ادبیات، که به بررسی تولید و پی‌آمدهای اجتماعی ادبیات می‌پردازد، به‌عنوان یک دانش میان‌رشته‌ای از یک‌سو به ادبیات، زبان‌شناسی، و فلسفه مرتبط است و از سوی دیگر به علوم اجتماعی و تاریخی. از آن‌جاکه پس از پیروزی انقلاب در شعر اجتماعی جرقه‌هایی حاصل شد و شعر اجتماعی انقلاب به‌عنوان جریانی قدرتمند و تثبیت‌شده شکل گرفت، این پژوهش می‌کوشد تا با نظریه منش و میدان بوردیو و با روش تحلیل کیفی - توصیفی، سه مؤلفه اصلی منش، میدان، و سرمایه را در اشعار سلمان هراتی بررسی کند. براساس نتایج این تحقیق، شعر هراتی به‌عنوان کنش شاعر، حاصل ارتباط منش و موضع او در میدان‌های سیاسی، اجتماعی، و ادبی است. او، در جایگاه شاعر انقلابی، در برخی اشعارش به وضعیت نابه‌سامان جامعه، فاصله طبقاتی موجود در آن زمان، و غرب‌گرایی انتقاد و اعتراض دارد. در این میان، کنش‌های شعری با مضمون حب و دوستی امامان، رهبر معظم، شهیدان، و ... را برجسته‌تر به‌کار گرفته است.

**کلیدواژه‌ها:** جامعه‌شناسی ادبیات، منش، میدان، سرمایه، کنش، سلمان هراتی.

### ۱. مقدمه

نقد جامعه‌شناختی ادبیات شاخه‌ای از پژوهش‌های جدید است که با دیدگاهی بینارشته‌ای و بهره‌جستن از توانایی‌های شناختی جامعه‌شناسی و ادبیات به بررسی ارتباط میان جامعه و

\* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)، sh.ahmadi@umz.ac.ir

\*\* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه مازندران، ahmadish52@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۰



ادبیات می‌پردازد. براساس این دیدگاه ادبیات نیز مانند سایر هنرها در زندگی اجتماعی انسان ریشه دارد و نقش بازنمایی فضای جامعه را ایفا می‌کند. در ادبیات معاصر فارسی، شاعران برای بازنمایی فضای جامعه از شعر اجتماعی بهره می‌برند. هنر و ادب در هر دوره نشان تکامل یافته‌ای از دستاوردهای مادی و معنوی انسان در آن زمان است که برگرفته و به‌وجودآمده از شعوری خلاق است. شعور خلاق انسان در جریان آفرینش اثر ادبی از احساس او به واقعیت سرچشمه می‌گیرد. از این رو، هنر و ادب را می‌توان محصول برخورد متقابل شعور خلاق انسان با واقعیت اجتماعی زمان دانست. شعر اجتماعی بعد از انقلاب در آرمان‌ها و ارزش‌های برآمده از بطن و متن انقلاب ریشه دارد و بیش‌تر متأثر از آموزه‌های اصیل دینی، سیره نبوی، و عدالت علوی است. در دهه اول انقلاب، پرداختن به مسائل سیاسی و اجتماعی به‌گونه‌ای دیگر است؛ موضع‌گیری بیش‌تر شعرها به‌سمت دشمنان بیرونی است و شاید به همین سبب، شاعران به ناهنجاری‌های درونی کم‌تر عنایت دارند. این شعرها، نخستین جرقه‌های پیدایش چیزی است که ما امروز به‌عنوان شعر اعتراض می‌شناسیم. شعر اجتماعی انقلاب به‌منزله جریانی قدرت‌مند و تثبیت‌شده با پذیرش قطع‌نامه و پایان یافتن دوران دفاع مقدس متولد شد و کارنامه شعر اجتماعی انقلاب را باید بیش‌تر در مقطع بعد از جنگ موردکاوش قرار داد. با این حال، در دهه اول انقلاب نیز نمونه‌های قابل‌تأملی از شعر اجتماعی در کارنامه شعر انقلاب قابل بررسی است. سلمان هراتی از شاعران شاخص و برجسته نسل اول انقلاب در کارنامه شعری خود نمونه‌هایی موفق از شعر اجتماعی دهه شصت را ثبت کرده است.

در بررسی آثار شعری از منظر اجتماعی، نظریه‌های گوناگونی وجود دارد که نظریه «منش و میدان» بوردیو یکی از مهم‌ترین نظریه‌ها در این حوزه است. این تحقیق که با روش کیفی - توصیفی نوشته شده است، به بررسی و تحلیل اشعار سلمان هراتی براساس نظریه منش و میدان پیر بوردیو می‌پردازد.

## ۱.۱ پیشینه پژوهش

در پایان‌نامه کارشناسی ارشد فرزانه الهی قلعه (۱۳۹۴)، با عنوان *تحلیل اشعار هوشنگ ابتهاج براساس نظریه منش و میدان پیر بوردیو*، نویسنده با توجه به نظریه منش و میدان پیر بوردیو به تحلیل و بررسی اشعار هوشنگ ابتهاج در سه دوره شعری او، بنابر فضای میدان سیاسی و اجتماعی جامعه عصر شاعر، پرداخته است.

مقاله پرستش، رضایی، و کرمی (۱۳۸۵)، با عنوان «بررسی رابطه سبک زندگی و اسلوب نوشتاری صادق هدایت در میدان تولید ادبی»، رابطه سبک زندگی و اسلوب نوشتاری صادق هدایت در بوف کور به واسطه تعبیر بورديو و استفاده از مفاهيم نوينیادش هم چون میدان منش و ذائقه مورد مطالعه‌ای از گونه تبیین میدانی است.

مقاله پژمانفر، ذاکری، و نبوی، با عنوان «تحلیل بورديویی میدان تولید ادبی شاهنامه و عادت‌واره فردوسی»، به بررسی میزان تأثیر میدان تولید ادبی قرن چهارم به عنوان ابژکتیو و همچنین میزان تأثیر منش فردوسی به عنوان سوژکتیو در سروده شدن مهم ترین حماسه ملی ایران می پردازد.

## ۲. مبانی نظری

شاخصه متمایزکننده جامعه‌شناسی ادبی و فرهنگی بورديو از دیگران نگاه دیالکتیکی میان منش و میدان یا عین‌گرایی و ذهن‌گرایی است؛ یعنی به علت‌های بیرونی عین‌گرایانه و درونی ذهن‌گرایانه محدود نمی‌شود، بلکه دیالکتیک منش زیبایی‌شناسانه نویسنده، شاعر، و ساختار میدان ادبی آن را شکل می‌دهد. میدان ساختار ساخت یافته و درعین حال ساخت‌دهنده‌ای است که بر شبکه روابط بین موقعیت‌های فضایی ناظر است. مجموعه این روابط از قواعدی پیروی می‌کنند که در محدوده میدان حاکمیت دارند و استقلال میدان قائم به آن است (پرستش ۱۳۹۳: ۱۱۱). مهم‌ترین میدان بورديو میدان قدرت است. میدان قدرت «فضای بازی است که دارندگان سرمایه‌های گوناگون خاصه، برای اعمال قدرت بر دولت، درون آن به نبرد می‌پردازند» (بورديو ۱۳۸۰: ۱۴۴). میدان قدرت هم‌چون نیرویی میان موقعیت‌های اجتماعی وجود دارد و برای دارندگان متضمن نوعی سرمایه است؛ سرمایه‌ای که آنان را قادر می‌سازد تا به منازعات برسر انحصار قدرت یا منازعات برسر تعریف شکل مشروع قدرت وارد شوند. مؤلفه‌های این میدان عبارت‌اند از: الف. میدان قدرت نقش کارکرد نوعی فرامیدان را ایفا می‌کند که اصل سازمان‌دهنده تمایز و منازعه در همه میدان‌هاست؛ ب. میدان قدرت طبقه اجتماعی مسلط را طراحی می‌کند. میدان سیاسی تابع برخی از اصول ساختاری کلی است که همه میدان‌های دیگر در آن‌ها شریک و سهیم‌اند. کنش‌گران سیاسی از طریق مواضع سیاسی و راه‌بردهای سیاسی به دنبال کسب موقعیت‌های فرادست در میدان سیاسی‌اند. به نظر بورديو، هر قدر میدان سیاسی مستقل‌تر می‌شود، به همان میزان سازوکارهای درونی‌اش نیز نقشی مهم‌تر در فعالیت سیاسی ایفا می‌کنند. در واقع، میدان سیاسی جایی است که:

درون آن، کنش‌گران درگیر دست به رقابت با یک‌دیگر برسر محصولات سیاسی، مسائل، برنامه‌ها، تحلیل‌ها، تفسیرها، مفاهیم، و وقایعی می‌زنند که شهروندان عادی آن‌ها به موقعیت یک «مصرف‌کننده» تقلیل یافته‌اند و ناچار به انتخابی هستند که امکان اشتباه در آن به همان میزان افزایش می‌یابد که آن‌ها از مکان تولید (سیاست) فاصله می‌گیرند (بونوتیز ۱۳۸۹: ۸۲).

منش از نظر بوردیو مجموعه‌ای از روابط تاریخی تثبیت شده‌ای است که در قالب الگوی ذهنی، جسمی، ادراک، ارزیابی، و عمل ظاهر می‌شود. موقعیت‌ها همان حلقه‌ای است که مفهوم منش را به لحاظ وجودی به مفهوم میدان پیوند می‌زند و این دو مفهوم در رابطه دیالکتیکی با هم قرار دارند (پرستش ۱۳۹۳: ۶۹). بوردیو معتقد است که منش و میدان هر دو دارای ساختارند و در روندی تاریخی به وجود می‌آیند. می‌توان عادت‌واره را بخشی از جامعه دانست که در فرد زندگی می‌کند و میدان را هم می‌توان همان ساختار اجتماعی در نظر گرفت. از نظر وی عوامل گوناگونی در زندگی ما ساختاریافته‌اند و از میان آن‌ها یکی عادات یا گرایش‌های افراد است که شامل احساس و عمل آن‌ها می‌شود و دیگری میدان اجتماعی که شامل موقعیت‌های اجتماعی ساختاری و چگونگی توزیع منابع و امکانات است. این ساختارهای مختلف به‌طور مرتب در یک‌دیگر تأثیر می‌گذارند و در طی این تقابل، افراد یک‌دیگر را می‌شناسند. ممکن است در طول این فرایند دیالکتیکی، چیزهای جدید به وجود آیند که در منش و میدان هم تأثیری دوباره داشته باشند (گرنفل ۱۳۸۸: ۳۳۲).

یکی از موضوعات مورد تأکید بوردیو در نظریه‌اش اصطلاح «سرمایه» است. سرمایه را می‌توان واقعیت اساسی نظام سرمایه‌داری دانست که هم روند و هم محصول یک میدان است. بوردیو چهار نوع سرمایه را مطرح می‌کند: ۱. سرمایه اقتصادی: که حالت بنیادی دارد، به‌طوری‌که در سطح سایر سرمایه‌ها نیز مؤثر واقع می‌شود. می‌توان گفت همان سرمایه اولیه افراد است که انواع دارایی مالی، مالکیت خصوصی، یا عمومی را شامل می‌شود؛ ۲. سرمایه اجتماعی: که به‌گونه‌ای وابسته به شبکه اجتماعی است و فرد در آن به‌اجبار زندگی می‌کند. در واقع، سرمایه اجتماعی همان طبقه اجتماعی فرد است؛ ۳. سرمایه فرهنگی: به مجموعه‌ای از توان‌مندی‌ها، عادات، و خصوصیات فکری و تربیتی و طبع‌های فرهنگی اعم از دانش، زبان، سلیقه یا ذوق، و سبک زندگی دلالت می‌کند؛ ۴. یک قابلیت است که افراد از طریق آن نمادهایی را به‌کار می‌برند که بتوانند آن‌ها را به واقعیات اجتماعی تبدیل کنند. در نظر بوردیو کل روابط انسانی به‌صورت نمادین شکل گرفته است و این‌که همه مردم قدرت نمادین برابری ندارند. سرمایه نمادین اساسی انسانی دارد که به قوای شناختی او برمی‌گردد و ماهیت

اجتماعی دارد؛ آوازه، شهرت، و به‌طور کلی خصوصیات اخلاقی را شامل می‌شود (صالحی و سپهرنیا ۱۳۹۰: ۲۰). پس دولت با دراختیارداشتن انواع مختلف سرمایه (سرمایه اقتصادی، فرهنگی، نیروی فیزیکی یا ابزارهای ارتش، پلیس، و...) درواقع دارنده نوعی فراسرمایه است. انباشتگی انواع مختلف سرمایه نزد دولت موجب جمع‌آوری سرمایه‌ای خاص می‌شود که دولت می‌تواند بر حوزه‌های مختلف و به‌خصوص به نرخ تبدیل میان آن سرمایه‌ها و قدرتی که بر دارندگان سرمایه اعمال می‌شود، تسلط داشته باشد (بورديو ۱۳۸۰: ۱۶۷).

کنش در نظر بورديو، نتیجه رابطه بین تمایلات شخصی (منش) و جایگاه او در میدان (سرمایه) است، به‌گونه‌ای که امکان بروز آن در شرایطی خاص فراهم می‌شود:

$$[\text{عادت‌واره}] \times (\text{سرمایه}) + \text{میدان} = \text{کنش}$$

این معادله نشان‌دهنده اجزایی است که برای درک نگرش بورديو اهمیت زیادی دارد. درواقع، سه «ابزار تفکر» اصلی او عادت‌واره، میدان، و سرمایه با یک‌دیگر در ارتباط‌اند. از نظر بورديو، عملکرد واسطه‌ای میان ساختمان ذهنی و جهان اجتماعی است. ازطرفی، ساختمان ذهنی از طریق عملکرد به‌وجود می‌آید و ازطرف دیگر، جهان اجتماعی در نتیجه عملکرد آفریده می‌شود. کنش‌ها صرفاً نتیجه عادت‌واره فرد نیستند، بلکه نتیجه رابطه بین عادت‌واره شخص با وضعیت فعلی اویند. بنابراین فرد، برای درک کنش، باید هنجارهای میدان اجتماعی را با منطق عملی عاملان اجتماعی همراه سازد (جمشیدی‌ها و پرستش ۱۳۸۵: ۷).

از نظر بورديو، هر میدان تولید فرهنگی خلق‌و‌خواهای معین، یعنی منش‌های شبیه به‌هم، را پدید می‌آورد. تولیدکنندگان این خلق‌و‌خواها را می‌پذیرند و آن‌ها را درونی می‌سازند. می‌توان گفت که میدان (موقعیت‌ها) و منش (خلق‌و‌خواها) در پیوندی تنگاتنگ عاملان را سازگار می‌کنند. بر اثر رابطه دیالکتیکی میان منش و میدان، کنش‌ها به‌خصوص کنش‌های فرهنگی پایه‌ریزی می‌شوند (ریتزر ۱۳۸۹: ۳۲۱). سرمایه، منش، میدان، و کنش‌های شاعرانه از عواملی هستند که باعث تولید یک اثر ادبی می‌شوند و ساختارهای اجتماعی را شکل می‌دهند.

## ۱.۲ سرمایه هراتی

سرمایه به سرمایه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، و نمادین تقسیم می‌شود و از نظر بورديو، سرمایه اقتصادی و فرهنگی درمیان انواع سرمایه‌ها از مهم‌ترین ملاک‌های تمایزگذاری میان موقعیت عاملان در فضای طبقات اجتماعی‌اند (بونوتیز ۱۳۸۹: ۶۷). به‌لحاظ سرمایه اقتصادی قابل ذکر است که هراتی در سال ۱۳۳۸ در روستای مزدشت تنکابن استان

مازندران به دنیا آمد. از همان ابتدای جوانی به دلیل فقر مالی، برای گذران معاش به شاگردی می پرداخت و با چوپانان محلی (گالش‌ها) به چوپانی می رفت و از همین ره گذر با ترانه‌های محلی آشنایی پیدا کرد (خادمی کولایی ۱۳۸۵). از این رو، جایگاه هراتی در فضای اجتماعی از لحاظ سرمایه اقتصادی مناسب نبوده است.

در خصوص سرمایه فرهنگی باید گفت که این سرمایه از نظر بوردیو ابعاد متفاوتی از جمله دانش عینی درباره هنرها و فرهنگ‌ها، سلیقه و ترجیحات فرهنگی، و مهارت‌های فرهنگی مانند نواختن آلات موسیقی و توانایی تشخیص خوب و بد دارد. بوردیو سرمایه فرهنگی را بُعدی از یک عادت‌واره گسترده می بیند. از نظر بوردیو، سرمایه فرهنگی به سه شکل تقسیم می شود: ۱. حالت متجسم سرمایه فرهنگی به معنای حق استفاده بادوام از ذهن و جسم؛ ۲. حالت شیء شده، یعنی هنگامی که سرمایه فرهنگی به کالایی از قبیل تصاویر، کتاب‌ها، و غیره تبدیل شده باشد؛ ۳. حالت نهادینه شده، یعنی وقتی سرمایه فرهنگی به صورت یک مدرک دانشگاهی مورد تأیید قرار گیرد. او در این بخش بر تحصیلات و وضعیت فرهنگی خانواده تأکید دارد (خادمیان ۱۳۸۷: ۳۸). از این رو، سرمایه فرهنگی را می توان بازتابنده طبقه اجتماعی صاحب آن سرمایه دانست.

سرمایه فرهنگی به وسیله موقعیت اجتماعی و طبقه اجتماعی افراد شکل می گیرد. بازتولید فرهنگی در اشکال نهادینه شده مانند مدارک تحصیلی، موقعیت‌های شغلی، و... نمود پیدا می کند.

### ۱.۱.۲ مدرک تحصیلی

هراتی درس‌های ابتدایی را در زادگاهش خواند و برای مقطع متوسطه به شهر خرم‌آباد تنکابن رفت و در نوبت شبانه در رشته ادبی مشغول به تحصیل شد. در سال ششم متوسطه، به دلیل بیماری روحی که بر اثر یک حادثه به آن دچار شد، مردود شد. بعد از آن، به تهران عزیمت کرد و به اتمام تحصیلات متوسطه موفق شد. این اتفاقات مصادف با وقوع انقلاب بود. سلمان بعد از سربازی در اصفهان در رشته هنر دانشگاه تربیت معلم پذیرفته و دوباره رهسپار تهران شد.

### ۲.۱.۲ شغل

هراتی هم‌زمان با تحصیل دوره متوسطه در یک مغازه خرازی مشغول به کار شد. هراتی پس از پایان تحصیل دانشگاه برای چند سال اول خدمت به مناطق محروم فرستاده شد و



با وجود تلاش زیاد برای انتقال به تنکابن این امر میسر نشد. بورديو فرهنگ را به دو حوزه فرهنگ والا و عام تقسیم می‌کند و معتقد است که گروه‌های نخبه هر جامعه با تعریف مشروع و نامشروع، ارزش مهارت‌ها، و دانش خاص خودشان را محفوظ نگاه می‌دارند و از این طریق منزلت و شأن خود را تحکیم می‌بخشند. سلمان به سبب برخورداری از ویژگی‌های شخصیتی و فرهنگی خاص و پرورش در جغرافیای انسانی ویژه دارای زبانی ساده و عامیانه‌گراست. از این رو، در شعر او با ضرب‌المثل‌ها، باورها، اصطلاحات عامیانه، واژه‌های روزمره، و حتی گاهی با واژه‌های بومی مواجه می‌شویم که بر ایجاد اشتراک فرهنگی، تحکیم پیوندهای فکری، و زبانی یک ملت اثری اجتناب‌ناپذیر دارند.

### ۳.۱.۲ سرمایه ادبی

هراتی در تولید سرمایه ادبی از دو بخش ادبیات کلاسیک و ادبیات معاصر بهره جسته است. هراتی، در خصوص بررسی سرمایه داخلی در بخش ادبیات کلاسیک، در حوزه فرم و مخاطب دارای شاخصه خودآزمایی است و در قالب‌های شعری ادبیات کلاسیک نظیر غزل، مثنوی، رباعی، دوبیتی، و چهارپاره شعر سروده است. در بخش ادبیات معاصر، در ابتدا اگرچه هراتی از منظر زبانی و بیئت عرفانی و طبیعت‌گرایی تحت‌تأثیر فروغ، سهراب سپهری، و نیما یوشیج قرار گرفت، در ادامه از تقلید پرهیز کرد. در حقیقت خلایقیت، جهان‌بینی، و بی‌پیرایگی، که در ذات شعر ایدئولوژیک وجود دارد، مسیر وی را جدا کرد و حاصل کار سبکی شد که باید آن را ره‌گیری شعر آسان انقلاب نام نهاد.

در بخش توانایی و میزان استفاده هراتی از محصولات فرهنگی باید گفت که او به هنر در قالب زمینه‌هایی مثل تئاتر، ادبیات، عکاسی، موسیقی، و نقاشی علاقه داشت. او در یک خانواده مذهبی و کشاورز متولد شد. قبولی او در دانشگاه موجب آشنایی وی با محیط دانشگاه و فضای هنری موجود در آن زمان شد که در او تأثیر فراوان گذاشت. تخلص او در اشعارش «آذرباد» است. دوستی او با سیدحسن حسینی و قیصر امین‌پور زبان‌زد است؛ مثلی که بعدها با اخوان ثالث در شعر انقلاب مشهور شدند (مجله گلبرگ ۱۳۸۴: ش ۶۸).

### ۲.۲ منش (عادت‌واره) هراتی

برای تعیین عادت‌واره یک فرد می‌توان تربیت خانوادگی، رفتار نهادینه‌شده او، رویکرد فکری و جهان‌بینی، رویکرد عاطفی، ذوق، علاقه‌مندی‌ها، و... را در نظر گرفت.

## ۱.۲.۲ تربیت خانوادگی

در بحث «تربیت خانوادگی»، باید دانست خانواده یک اصل به وجود آورنده واقعیت اجتماعی است که در عین حال، ذاتی و درونی تک تک افراد است، از آن جهت که یک جمع در آمیخته اند و هم چنین تعالی یافته از آنان است، زیرا با آن در قالبی عینی مواجه می شوند که در تمامی افراد دیگر، غیر از خودشان، نیز نمایان است (بوردیو ۱۳۸۰: ۱۸۵). سلمان هراتی درباره خانواده خود سخنی نگفته، اما از پیشه خانوادگی او، که کشاورزی است، می توان برداشت کرد که از سادگی و صمیمیت برخوردار بوده و در فضایی به دور از پیچیدگی و تجملات رشد و نمو کرده است. هم چنین، علاقه وی به انقلاب و مذهب از خانواده او ریشه یافته بود:

ای دانه هایی که  
بر بام آفتاب گیر شالی خانه  
بی تاب روز سرزدن از خاکید  
فردا/ زنان آبادی  
شما را در آب خواهند ریخت  
و در «تومجار» می پایند...

(هراتی ۱۳۸۰: ۲۵۵-۲۵۶)

## ۲.۲.۲ رفتار نهادینه شده

منظور از «رفتار نهادینه شده» هم رفتاری است که فرد با توجه به شخصیت و تربیت خانوادگی اش و هم با توجه به موقعیت هایی که در آن ها قرار می گیرد، در او درونی شده است و آن ها را از خود بروز می دهد. سلمان شخصیتی عجول داشت و در بسیاری اوقات احساساتی بود و همین ها در آثارش مشهود است. هم چنین به گفته خانواده اش، شخصیتی بدله گو و بشاش و در جمع های دوستانه، شخصیتی محوری و مرکزی داشت. اوایل خدمت وی در مناطق محروم، دیدن و لمس وضعیت مردم در آن شرایط سخت، وجود نابرابری ها، و فاصله های طبقاتی در جامعه آن زمان، که مصادف با وقوع انقلاب بود، هراتی را بسیار تحت تأثیر قرار داد، به گونه ای که بازتاب این ها در اشعارش قابل مشاهده است. مدرنیسم در شعر سلمان چهره ای زشت دارد و مدام از جانب او سرزنش می شود. دنیای آرمانی او با آن چه مدرنیسم دنبال می کند در تضاد است. برای مثال، یکی از ویژگی های مدرنیسم

سرمایه، منش، و میدان تولید ادبی ... (شهرام احمدی و فاطمه سادات میرزاده) ۱۱

سنت‌گریزی است، درحالی‌که سنت برای هراتی ارزش محسوب می‌شود. او عامل بسیاری از ناامنی‌ها را سیاست‌های جوامع غربی می‌داند و پیوسته نکوهش می‌کند:

من هم می‌میرم  
اما نه مثل غلامحسین  
از مارگزیدگی  
پس پدرش به دره‌ها و رودخانه‌های بی‌پل  
نگاه کرد و گریست  
چه کسی آغل گوسفندان را پاک می‌کند؟  
(هراتی ۱۳۸۰: ۱۹۸)

### ۳.۲.۲ جهان‌بینی و رویکرد فکری

هراتی، در «جهان‌بینی و رویکرد فکری»، از پیش‌گامان صاحب سبک شعر انقلاب و ادب‌پایداری و نیز از تأثیرگذارترین شاعران در حوزه زبان و ادبیات این دوره است. در واقع، شعر او برآمده از اعتقادات، برداشت‌های اجتماعی، و جهان‌بینی اوست. علت شهرت سلمان را می‌توان شعرهای انتقادی و اجتماعی او دانست. هراتی از آن‌جاکه خود را مدیون مردم می‌دانست، شعر را فضایی برای ادای تعهد اجتماعی و سیاسی خود در نظر می‌گرفت:

کسانی که از هم می‌پرسند:  
چگونه هنوز هم زنده‌ایم؟  
میان آفتاب و مردم راه می‌روم  
و ترانه‌هایم را که از امید سرشارند  
در جیبشان می‌ریزم  
در سبدهای خالی شان  
در دلشان  
و دفتر لبخندهایم را  
با مردم کوچه و خیابان  
ورق می‌زنم

(هراتی ۱۳۸۰: ۲۳۹-۲۴۱)

## ۴.۲.۲ رویکرد عاطفی

در بحث «رویکرد عاطفی»، ادبیات همواره جولانگاه مناسبی برای بیان اندیشه‌ها، احساسات، و عواطف شاعران بوده است. شاعر تجربیات و احساساتی را که با تمام وجود خود لمس می‌کند، در قالب الفاظ می‌ریزد و آن‌ها را مانند تصویری آهنگین مقابل چشمان خواننده قرار می‌دهد. این اندیشه‌ها را می‌توان نتیجه حوادث و روی دادهایی دانست که پیرامون زندگی شاعر رخ داده است. ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، و... تأثیر مستقیم در نوع نگرش و عاطفه شاعر دارد. برای مثال، سلمان در اشعارش آرمان‌شهری را به تصویر می‌کشد که در آن فقر و محرومیت، فاصله‌های طبقاتی، غرب‌گرایی، و... وجود ندارد و نگاه او برگرفته از روح لطیف سرشار از امید و بشارت اوست. در اشعارش به مسائل سیاسی و اجتماعی و مشکلات مردم توجه داشته است و به همین علت، عنوان «شاعر معترض اجتماعی» را به او داده‌اند:

افغانستان مقاوم  
به پرستیژ نظامیان تف می‌کند  
جایزه صلح را  
به دجال یک چشم می‌دهید  
و امنیت را در خاورمیانه اعلام می‌کنید  
و برای آمریکا  
کارت تبریک می‌فرستید  
دست مریزاد

(هراتی ۱۳۸۰: ۹۱-۹۲)

درخصوص «ذوق و علاقه‌مندی‌ها»، هراتی بسیار اهل تفریح و تفرج با دوستان بود و کم‌تر پیش می‌آمد که در خانه بماند. به موسیقی، نقاشی، عکاسی، و درکل هنر علاقه فراوان داشته و درکنار تدریس به کارهای هنری دیگر هم پرداخته است:

سارغم را بدهید  
توشه را بردارید  
باید از خانه گریخت  
باد باید شد و از صحرا رفت

سرمایه، منش، و میدان تولید ادبی ... (شهرام احمدی و فاطمه سادات میرزاده) ۱۳

رود باید شد و تا دریا خواند  
قاصد پاک سحر آمده است... در تمام تن راه  
نفس گرم مؤذن بود  
تو نمی دانی که صبح سفر  
چه صفایی دارد  
دست‌ها را در زلال خنک چشمه رها می‌سازیم  
تا غروب از نفس چشمه پریم  
(همان: ۲۷۳-۲۷۴)

## ۳.۲ میدان در اشعار هراتی

میدان ساختار اجتماعی است که از رابطه دیالکتیک عاملان اجتماعی و عوامل گوناگون موقعیتی شکل می‌گیرد. در رابطه با تأثیر میدان در تولید اثر ادبی اشعار هراتی می‌توان گفت که او میدان‌های اجتماعی، انقلابی، مذهبی، و فرهنگی را مورد توجه قرار داده است.

## ۱.۳.۲ میدان اجتماعی

بنابر تعریف بوردیو، یک میدان عرصه اجتماعی است که مبارزه‌هایی با تکاپو بر سر منابع و منافع معین و دسترسی به آنها در آن صورت می‌پذیرد (بوردیو، به نقل از جنکینز ۱۳۸۵: ۱۳۵). نوعی قلمرو زندگی اجتماعی، که دارای قواعد سازمان‌دهی خاص خود است، مجموعه‌ای از موقعیت‌ها را فراهم می‌کند و حامی کنش‌های مرتبط با آن موقعیت‌هاست و مشارکت‌کنندگان در میدان‌های اجتماعی درست همانند بازیگران یک بازی در موقعیت‌های متفاوتی قرار دارند. با توجه به وضعیت جامعه زمان سلمان هراتی می‌توانیم جلوه‌های پایداری را در اشعار او بیابیم. «ادبیات پایداری عبارت است از آثاری که تحت تأثیر شرایط اختناق و استبداد داخلی، عدم آزادی از همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، و ایستادگی در برابر جریان‌های ضد آزادی است» (سنگری ۱۳۸۰: ج ۱، ۹). در نمونه‌های زیر فضای اجتماعی شاعر در ابیاتش بازتاب یافته است:

آی شمایان شب‌نشین  
که نغمه قبیحی  
به خوش‌رقصی تان وامی دارد  
... باری لجن هزار مرداب  
از دلتان نشست کرده است  
... که تشنه خون آفتاب شده‌اید  
... با من بیا/ به هزاره آوار  
و بین  
پایان زندگی  
چه قدر مستند است

(هراتی ۱۳۸۰: ۶۱-۶۳)

و امروز ماییم  
ماییم و تراکم برف‌های بومی  
آیا هنوز نمی‌بینی  
افسردگی را؟  
آن که دیروز با ما  
در لبخندی عمومی شکفت  
نگاه کن  
او یک بی تفاوت هیجده‌ساله است  
(همان: ۲۳۶)

ای بانیان غبارهای شبهه و وحشت  
دمندگان شیپورهای شایعه  
شیپورهای کذب  
ای حنجره دیگران  
آن قدر که از تو بیم‌ناکم  
از توافق دست‌ها و آهن‌ها  
هرگز!

(همان: ۲۲۵)

## ۲.۳.۲ ميدان انقلابی

ادبیات دفاع مقدس، به‌ویژه هشت سال مقاومت و حماسه در مجموعه تاریخ ادب ایران از آن جهت که مبتنی بر فرهنگ ستم‌ستیز اسلام و تشیع است، بی‌نظیر و منحصر به فرد است. در طول بیش از هزار سال، ادبیات مدون ما حادثه‌ها، جنگ‌ها، و فرازونشیب‌های فراوان دیده است، اما در هیچ دوره‌ای مقاومت و ایستادگی یک جامعه با درون‌مایه عمیق اعتقادی برخاسته از فرهنگ اسلامی، به‌ویژه عناصر حرکت‌آفرین شیعی، هم‌رنگ و هم‌سنگ ادبیات این دوره یافت نمی‌شود. از محورهای اصلی شعر انقلاب شعر دفاع مقدس است. می‌توان گفت محورهای اصلی و فرعی دیگر شعر انقلاب حداقل در زمان جنگ تحمیلی حول این محور تأثیرگذاری می‌چرخید و شاعران در طول هشت سال دفاع مقدس قالب‌های شعری خود را به محور جنگ و دفاع مقدس معطوف کردند. سلمان زمانی به جمع شاعران جنگ پیوست که تب‌وتاب شعاردادن برای جنگ در حال خاموش شدن بود. او از سال ۱۳۵۲ به نوشتن روی آورد و با ذات پوینده‌اش سرودن شعر را تجربه کرد. اوج کار وی مصادف با سال‌های اولیه پیروزی انقلاب و آغاز جنگ تحمیلی بوده است. او درقبال اتفاقاتی که در پیرامونش رخ می‌داد، نمی‌توانست بی‌اعتنا باشد و بدین ترتیب به‌اتفاق چند تن دیگر از شاعران جوان راهی را آغاز کرد که موجب پیدایش جریان شعر انقلاب و دفاع مقدس شد.

**الف. جبهه:** جبهه جایی به‌وسعت همه دنیا و به‌طول تاریخ و عرض زمان است که افراد درون آن از همه‌چیز خود گذشتند و جان خویش را در کف دست نهادند و آن را بدون هیچ توقعی در راه خدا تقدیم کردند:

ای خدا

مهربانی آبی!

آه دست بالاتر ای خوب

جبهه با تو / مساوی است با فتح

با دشت‌های شقایق

جبهه منهای تو هیچ معنا ندارد

(هراتی ۱۳۸۰: ۳۸۷)

جبهه یکی از موضوعات مهم ادبیات پایداری و برانگیزنده غیرت ملی است، به‌طوری‌که شاعر به خود و دیگران تلنگری می‌زند و آنان را برای رفتن به جبهه و دفاع از

آیین و میهن تشویق می‌کند. هراتی در شعر آزاد «بر قله‌های انتظار» بیان می‌کند که برای فتح قله‌های بلند پیروزی باید شمشیر و سلاح به‌دست گرفت و در برابر ظلم و فتنه ایستاد:

ای مقتدای آب‌های آشوب  
در روزگار جسارت مرداب  
و گستاخی قارچ‌های مسموم  
طوفان آخرینی  
که بر گستره خاک خواهد گذشت  
ای شوکت طلوع هزار آفتاب  
تو شیونی  
بلندتر از  
فرود هزار کهکشان به زمین

...

باغ‌ها از پاییز برمی‌گردند  
و درختان در انتظار بارش آخرین  
سرخوش می‌ایستند  
بر آخرین قله‌های انتظار ایستاده‌ایم  
و زمین را  
که در باتلاق تقلب بازی‌گوشی می‌کند  
تشر می‌زنیم  
بی‌گمان  
تا فتح قله دیگر  
فرمان عشق آتش است  
مرا با رکود مرداب‌ها کاری نیست  
من به تقلا دست‌های کریم  
نماز خواهم برد  
و خاک مستعد را  
با نهرهای روان  
آشتی خواهم داد



... باید دست‌ها را به قبضه شمشیر سپرد  
و حنجره بدی را فشرده  
آه ای پیشوای اقیانوس‌های شورش  
شب‌نشینی دنیا به طول انجامید  
طوفان را رها کن  
و اسب آشوب را  
افسار بگسل!

(همان: ۳۰-۳۴)

ب. **جنگ:** جنگ تحمیلی سبب شد تا آمیختگی خاصی بین مفاهیم انقلاب و ارزش‌های والای آن با بزرگداشت وطن، احساس تعلق روحی، و جسمی به شعر ایجاد شود. شاعر، درکنار توصیف صحنه‌های شور و حماسه هشت سال دفاع مقدس، در خطر بودن مرزهای جغرافیایی کشور را هم مورد توجه قرار داد. هراتی وطن را خانواده خود می‌دید که مورد هجوم تجاوزگران واقع شده بود:

سبزند که از هوای باغ آمده‌اند  
سرخ‌اند که از کویر داغ آمده‌اند  
در اوج تراکم شب ظلمانی  
مردانه به یاری چراغ آمده‌اند

(همان: ۳۲۰)

او هم چنین در شعر «خواهش شکستن» می‌نویسد:

چنان درخت در این آسمان سری داریم  
برای حادثه، دست تناوری داریم  
وفور فتنه اگر هست آسمان با ماست  
که چشم لطف ز دنیای دیگری داریم  
اگرچه از عطش و التهاب می‌خوانیم  
برای عشق ولی دیده تری داریم  
چنان پرنده در آن میهمانی آبی

ز جنس ابر به بالای خود پری داریم  
برای رفتن از این جا میان سینه تنگ  
دلی به پاکی بال کبوتری داریم  
دوباره بر لب دل خواهش شکنن رُست  
هنوز آرزوی زخم دیگری داریم

(همان: ۳۰۸-۳۰۹)

**ج. شهادت:** موضوع «شهید» و «شهادت» در شعر دفاع مقدس بیش‌ترین بسامد را به خود اختصاص داده است. تجلیل از شهیدان به‌عنوان کسانی که در راه عقیده خود به جهاد برخاستند و در این راه در خون خود غلتیده‌اند، در شعر فارسی سابقه طولانی دارد:

شهید  
رود سرخی است که تا  
ابدیت جاری است

(همان: ۳۵۸)

هراتی در مثنوی «کشف آفتاب»، شهیدان را مظهر استواری می‌خواند که تا آخرین لحظه عمرشان مقاومت کردند و داغ ماتمشان آن‌قدر زیاد است که از ابرها فراتر رفته است:

سفر گزید از این کوچه باز هم نفسی  
پرید و رفت بدان‌سان که مرغی از قفسی  
کسی که مثل درختان به باغ عادت داشت  
شبیبه لاله به انبوه داغ عادت داشت  
کسی که هم‌نفس موج‌های دریا بود  
صداقت نفسش در نسیم پیدا بود  
کنون دریچه دل را به‌روشنی واکن  
به‌یاد او گل خورشید را تماشا کن  
کسی که آب‌شدن را در التهاب آموخت  
شکوه سبزشدن را در آفتاب آموخت  
کسی که شائبه آن نقاب را فهمید

کسی که حیلۀ سنگ و سراب را فهمید  
کسی که با تپش مرگ زندگی کرد  
کسی که با همه جز خویش مهربانی کرد  
کسی که با دل ما ارتباط آبی داشت  
هزار پنجره مضمون آفتابی داشت  
به کشف مشرق‌های خورشید دیگر رفت  
هزار مرتبه از ابرها فراتر رفت

(همان: ۳۱۷-۳۱۸)

### ۳.۳.۲ میدان مذهبی

اشتیاق سرودن شعرهای ناب با مضامین اعتقادی از مهم‌ترین شوق‌های زندگی سلمان هراتی است. شعرهای او ریشه در آتش عشق و ایمان دارند. عشق در اشعار هراتی آسمانی است. خط سیر سُرّایش او با موضوعات دینی و روحانی، بدون آن‌که از واژه‌ها و اصطلاحات خاص مذهبی بهره بگیرد، جلوه عرفانی و شکل نیایش‌گونه دارد و به دور از تکلف بیان می‌شود. از ویژگی‌های بارز این میدان، مطابقت از باورها و اعتقادات مذهبی است. تمام آموزه‌های دینی از جمله قرآن، نهج‌البلاغه، سخنان معصومین، و سیره ایشان، که بر پایداری و استقامت در برابر مشکلات و مصائب تأکید می‌کند، در اشعار او نمایان است.

الف. راز و نیاز با خداوند:

درخشش تو مثل آبشاری  
از بلندی‌های محال می‌ریزد  
در تخیل پنجره‌ای است  
که هفت آسمان در او جمع می‌شود  
من به‌مدد مهربانی تو  
و آفرینه‌های این تخیل مغموم  
در باغ‌های ناممکن آواز می‌خوانم  
برای سنگ‌های پرنده... گاهی آن‌قدر واقعیت داری

که پیشانی‌ام  
به یک تکه ابر سجده می‌برد و به یک درخت خیره می‌شوم از سنگ‌ها توقع دارم  
مهربانی را باران بر کتفم می‌بارد  
دست‌هایم هوا را در آغوش می‌گیرد شادی  
پایین‌تر از این مرتبه است  
که بگویم چه قدر

(هراتی ۱۳۸۰: ۱۸۷-۱۸۸)

ب. امامان، معصومان، و بزرگان دین:  
برای مولای متقیان علی (ع) در شعر «امتزاج آسمان و خاک»:

باد ایستاده بود  
آفتاب هیچ بود  
کلهکشان درنگ داشت  
خاک بی‌قرار بود  
تا تو آمدی  
شب بهار شد  
سنگ چکه‌چکه ریخت  
جویبار شد  
ابتدای تو  
امتزاج آسمان و خاک بود  
ای تمام تو تمام نور  
تا بینمت  
هر ستاره روزنی است  
سمت بی‌نهایت حضور تو  
چون که نیستی  
آفتاب فرصتی است ...  
من میان ابر و خاک  
مانده‌ام غریب

بی تو خاک را  
عادت حیات نیست  
بی تو از چه می توان سرود  
بعد تو  
هر دریچه‌ای که دیده‌ام  
چشم احتیاج بود  
لطف دست‌های تو بهار را نوشت...

(همان: ۲۶۱-۲۶۳)

برای سیدالشهدا (ع):

بالای تو مثل سرو آزاد افتاد  
تصویری از آن حماسه در یاد افتاد  
در حنجره گرفته صبح غریب  
تا افتادی هزار فریاد افتاد

(همان: ۱۶۶-۱۶۷)

برای امام سجاد (ع):

بیزارم از آن حنجره کو زارت خواند  
چون لاله عزیز بودی و خارت خواند  
پیغام تو ورد سبز بیداران است  
بیدار نبود آن که بیمار است خواند

(همان: ۱۶۶)

## ۴.۳.۲ میدان فرهنگی

سلمان هراتی، به فراخور موقعیت، در دستی اسلحه دارد و قلب تیرگی‌ها و تباهی‌ها را با سلاح مادی نشانه می‌گیرد و در زمانی دیگر، سلاح معنوی آموزگاری را با پرورش افکار و شکوفاکردن استعدادهای دانش‌آموزان در جهت اهداف ارجمند خود به‌کار می‌گیرد. در کلاس درس، فکر و عاطفه را درهم می‌آمیزد و هم‌چون معجون‌ی جان‌پرور اندیشه دانش‌آموزان را قدرت می‌بخشد:

ساعت انشا بود  
و چنین گفت معلم با ما:  
بچه‌ها گوش کنید  
نظر من این است  
شهدا خورشیدند  
مرتضی گفت: شهید  
چون شقایق سرخ است  
... مصطفی گفت: شهید  
مثل یک نمره بیست  
داخل دفتر قلب من و تو می ماند

(هراتی ۱۳۸۰: ۳۶۶-۳۶۷)

یا در نمونه‌ای دیگر در شعر «پیام»:

با من به‌جز حماسه نگو  
از من به‌جز تفنگ نخواه  
زیرا معلم  
فرمانده من است  
سنگر کلاس ماست  
ما با گج فشنگ

همواره بی‌درنگ نوشتیم: «پیروز می‌شویم» تخته‌سیاه ما  
قلب سیاه دشمن اسلام است

(همان: ۳۶۵)

## ۴.۲ کنش‌های شاعرانه هراتی

هر فرازونشینی در میدان قدرت، تأثیرات خود را بر سایر میدان‌ها، از جمله میدان ادبیات، برجای می‌گذارد، زیرا میدان قدرت کارکرد نوعی فرامیدان را ایفا می‌کند که اصل سازمان‌دهنده تمایز و منازعه در همه میدان‌هاست. کنش‌های شاعرانه هراتی در موارد مختلف و با مضامین متنوعی مانند وطن‌دوستی، طبیعت‌گرایی، فقر و محرومیت، احتکار،

سرمایه، منش، و میدان تولید ادبی ... (شهرام احمدی و فاطمه سادات میرزاده) ۲۳

گرانی، و... در شعرش نمود پیدا کرده است که حاکی از جهان‌بینی شاعر در رابطه دیالکتیکی با ساختار اجتماعی زمانه خود است.

## ۱.۴.۲ وطن‌سنایی

وطن در شعرهای سلمان به اعتبار ارزش‌ها، باورها، انقلاب، شهادت، و ایمان اعتبار یافته است. تلفیقی از عشق و عقل در ذهن هراتی وطن را هویت می‌بخشد و اسطوره‌های ذهنی او نیز با باورها و ارزش‌های متعالی شاعرانه پیوند خورده‌اند. او در شعر سپید «دوزخ و درخت گردو» ضمن ابراز ارادت و عشق خالصانه خود به میهنش آن را با توصیفاتی چون ایستاده، تواناترین، آفتاب، منظومه نفیس، و... معرفی می‌کند و می‌گوید:

ای ایستاده در چمن آفتابی معلوم

وطن من!

ای تواناترین مظلوم

تو را دوست دارم

ای آفتاب شمایل دریادل

و مرگ در کنار تو زندگی است

ای منظومه نفیس غم و لبخند

ای فروتن نیرومند!

ایستاده‌ایم در کنار تو سبز و سربلند

و تو آن درخت گردوی کهن‌سالی

و بیش از آن‌که من خوف تبر را نگرانم

تو ایستاده‌ای...

(هراتی ۱۳۸۰: ۱۵-۱۶)

یا در نمونه دیگر، شاعر با درآمیختن عناصر ملی و اعتقادات مذهبی با یک‌دیگر به خلق تصاویر و مضامین بدیهی از وطن می‌پردازد:

ای رویین تن متواضع

ای متواضع رویین تن

ای میزبان امام

ای پوریای ولی  
ای طیب، ای وطن من  
درختان با اشاره باد  
بر طبل جنگ سبز می‌کوبند  
کباده بکش  
علی را بنخوان  
صلوات بفرست.

(همان: ۲۲)

### ۲.۴.۲ طبیعت‌گرایی

اقلیم‌گرایی در شعر و داستان ادبیات معاصر جریانی خروشان و فعال است. شعرهای هراتی از خلوت شاعرانه او برمی‌خیزند. از مهم‌ترین ویژگی‌های شعر سلمان هراتی پرداختن به طبیعت است. وی آرزوهایش را در قالب تشبیهاتی عینی و ذهنی با طبیعت تلفیق می‌کند و آن را با رنگ‌ها و اصوات شاعرانه همراه می‌سازد و با سلوک عرفانی و بینشی سورنالیستی به مخاطب ارائه می‌دهد:

ای مقتدای آب‌های آشوب  
در روزگار جسارت مرداب  
و گستاخی قارچ‌های مسموم  
طوفان آخرین که  
برگستره خاک خواهد گذشت... احساس می‌کنم  
عمارت‌ها بر شانه زمین  
سنگینی می‌کنند...

(هراتی ۱۳۸۰: ۳۰-۳۴)

هراتی در اشعاری، با استفاده از عناصر طبیعی، بر توصیف زمانه خودش کوشیده و این‌گونه بیان کرده است:

نگاهم پی خواهشی سبز می‌رفت  
بهار آمد و با دلم گفت و گو کرد  
مرا با صدای تر آب‌ها خوانند



سرمایه، منش، و میدان تولید ادبی ... (شهرام احمدی و فاطمه سادات میرزاده) ۲۵

مرا با دل خسته‌ام روبه‌رو کرد  
چنان با من از مرگ آلاله‌ها گفت  
که روحم تب مرگ را آرزو کرد.  
(همان: ۱۵۴)

### ۳.۴.۲ فقر و محرومیت

سلمان هراتی روستازاده‌ای است که طعم تلخ فقر و کمبود را با تمام وجود چشیده و لمس کرده است. نمود این مضمون را در تشبیه‌های اجتماعی شاعر در شعر «عید از دو نگاه» می‌یابیم:

عید تن‌پوش کهنه باباست  
که مادر  
آن را به‌قدر من کوک می‌زند...  
عید سوپرمارکتی است  
که انواع خوردنی‌ها در آن است  
عید  
بوتیکی است  
که انواع پوشیدنی‌ها در آن هست  
(هراتی ۱۳۸۰: ۲۰۹-۲۱۰)

این تشبیهات شاعر نشان‌دهنده آرزوهای سرکوب‌شده مردمی است که چشم و دلشان از فقر پُر شده است، هراتی در جای دیگر براساس این مضمون می‌گوید:

من هم می‌میرم  
اما نه مثل گل‌بانو  
که سرزایمان مُرد  
پس صُغرا مادر برادر کوچکش شد  
و مدرسه نرفت.

...

من هم می‌میرم  
اما نه مثل فاطمه از سرماخوردگی

در این شعر، شاعر میزان بالای فقر موجود در جامعه را بیان می‌کند. کسانی که در طبقه پایین جامعه قرار داشتند. عده‌ای از آن‌ها بر اثر فقر جان خود را از دست می‌دادند یا به‌علت کمبود امکانات زندگی و فقر ترک تحصیل می‌کردند.

#### ۴.۴.۲ احتکار و گرانی

در سال ۱۳۶۳، که اوج نبرد عراق با ایران بود، ایران به‌دلیل تحریم اقتصادی قادر به فراهم کردن کالاها نبود و هراتی می‌نویسد:

امسال سال موش است  
سالی که هزار نقشه برای مردم کشیدی  
نیرنگ را  
در محضر موش اعظم تلمذ کردی  
دلت مثل پستو تاریک است  
... الهی اصلاً نداشته باشی  
مردم که هیزم تری به تو نفروخته‌اند  
تو را آمریکایی می‌دانند  
آن‌ها از این‌که باید در صف بمانند  
دل‌خور نیستند  
من بارها دیده‌ام  
برای خون‌دادن  
چه قدر صف را تحمل کردند  
... الهی هرچه در پستو داری زنگ بزند  
تو تشنه پولی  
اما یادت باشد  
ما هم کم نیستیم  
(هراتی ۱۳۸۰: ۹۸-۱۰۰)

#### ۵.۴.۲ فاصله طبقاتی

بعد از انقلاب، ایران دچار نشیب‌هایی شد که ماحصل کم‌رنگ شدن ارزش‌های انقلابی و افزایش شکاف طبقاتی بود:

چرا سهم عبدالله  
جريب جريب زحمت است و حسرت  
و سهم ناصرخان  
هكتار هكتار محصول است و استراحت  
مگر عبدالله زير بوته عمل آمده است  
كه صاحب هيچ زميني نيست  
... پس چرا عبدالله فقط كاشتن را بلد است  
و ارباب برداشتن را؟  
ما در مقابل آمريكا ايستاده ايم  
اما چرا هنوز كيومرث خان خرش مي رود  
عبدالله با داس  
هر شب چند خوك سر مزرعه مي كشد

(هراتی ۱۳۸۰: ۱۹۹-۲۰۲)

يا در منظومه «من هم مي ميرم» فاصله طبقاتي ارباب رعيتي را نشان مي دهد و مضمون  
شعرش را اين گونه بيان مي كند كه مرگ حق همه است و هيچ كس در اين دنيا جاودان  
نيست. پس چه دليل دارد كه انسان هايي با عنوان رعيت در جامعه تحقير مي شوند و تمام  
عمر خود را در خدمت به يك عده، كه به آنان فخر مي فروشند و دستور مي دهند، تباه  
مي كنند و لذت زندگي را حس نمي كنند:

من هم مي ميرم  
اما در خيابان شلوغ  
در برابر بي تفاوتی چشم های تماشا  
زیر چرخ های بی رحم ماشین  
ماشین یک پزشک عصبانی  
وقتی از بیمارستان دولتی برمی گردد  
سپس دو روز بعد  
در ستون تسلیت روزنامه  
زیر یک عکس خواهند نوشت

ای آن که رفته‌ای  
چه کسی سطل‌های زباله را پُر می‌کند؟  
(همان: ۱۹۸)

#### ۶.۴.۲ غرب‌ستیزی

هراتی، با نکوهش غرب‌گرایی، عامل بسیاری از ناامنی‌ها را سیاست جوامع غربی می‌داند. در شعر «زمستان قرن بیستم» می‌نویسد:

هر حفره دیده‌بان گرازی از حرص برخاسته  
نعره خنده‌ای کریه  
که آسمان، درخت، و ترانه را  
اشغال کرده است  
انباری از براده‌ای آهن و اتم  
که یک بار در «ناکازاکی» و «هیروشیما» بارید  
از آن‌پس، درختان  
از موربانه انباشته می‌شوند  
و پرندگان معلول به دنیا می‌آیند  
(هراتی ۱۳۸۰: ۲۳۰)

#### ۷.۴.۲ بی‌خبری و غفلت

هراتی یکی از بیماری‌های انسان عصر خویش را غفلت از معنویات و ارزش‌های والای انسانی می‌داند:

ما چه قدر غافلیم  
ما که به بوی گیج آسفالت  
عادت کرده‌ایم  
و نشسته‌ایم هر روز کسی بیاید  
زیاله را ببرد  
چه انتظار حقیری  
(هراتی ۱۳۸۰: ۸۴-۸۸)

سرمایه، منش، و میدان تولید ادبی ... (شهرام احمدی و فاطمه سادات میرزاده) ۲۹

یا در نمونه‌ای دیگر، سلمان هراتی در منظومه «موسیقی چشمه‌ها» به غفلت آدمی اشاره می‌کند:

بسی سال‌هایی که بیهوده بیهوده بودیم  
بس کوچه‌هایی که تا هیچ پیموده بودیم  
بر چشم‌هامان گذر داشت خوابی هزاره  
ای کاش آن روزها را نیاسوده بودیم  
ای کاش فواره روشن جست‌وجو را  
با خاک خیس تغافل نیندوده بودیم  
دل‌ها به‌زیر غبار غریبی نهان بود  
ای کاش آینه‌ها را نیالوده بودیم  
موسیقی چشمه‌ها را شنیدیم، رفتند  
وقتی که آن سوی تنهایی آسوده بودیم

(همان: ۱۵۲)

شاعر می‌گوید ای کاش آینه دل‌هایمان غباراندود نباشد تا نور خدایی در آن منعکس شود و خوشا به حال کسانی که رفتند و در راه خدا شهید شدند. ای کاش ما هم بی‌خبر از آن‌ها نبودیم. هدف هراتی از بیان این نکات در اشعارش خارج کردن مردم از گم‌راهی بوده است.

## ۸.۴.۲ تاریکی

سلمان در شعر «در نیمه آخرین ماه بهار» با واژه‌هایی نظیر شب، دیو، و... فضای خفقان‌زده را نشان می‌دهد، اما این بار به تولد بهار و پایان روزهای ظلم امیدوار است:

با چشم‌های هیز  
دجال‌وار  
دشنه بر کف و دشنام بر لب  
به نيزه‌های ایستاده شب  
تکیه داشتند  
مردان هول  
مردان وحشت و بیم  
در جان شب

خوفی عظیم گذر داشت  
خوف زوال خواب  
بیم افول دیو  
هرچندگاه  
ترس تولد آفتاب  
رعشه بر اندام خواب می افکند  
...  
مردی برهنه  
چونان چشمه‌های صاف  
دل گیر از همیشه تاریکی  
فریاد را  
از منتهای گلویش عبور داد  
و پلک پنجره‌ها را  
به باغ نور گشود  
و بذر عشق را  
به نیت تقوی  
به خاک ریخت  
شب زیون  
دستی به حیلۀ برد  
و زهره پنجره‌ها  
از سیاهی ترکید  
و خاک، سوگوار آمدن شب بود  
... در روزگار بعد  
شب از تهاجمی پیروز  
در خون نشست  
و بذرهای عشق  
از قلب‌ها شکفت  
و آفتاب برآمد  
از انزوای غربت و تبعید

## ۹.۴.۲ طنز

طنز موجود در آثار هراتی اجتماعی تلخ و سیاه است که کفه انتقاد در آن بسیار سنگین می‌شود. طنزی نیش‌دار که در عین حال دینی و انقلابی است. هراتی با استفاده از زبان صریح، آشکار، و به دور از هرگونه پیچیدگی، تکلف، و خودآرایی هرآنچه می‌بیند و حس می‌کند به زبان شعر درمی‌آورد. طنز وی در معنای واقعی و راستین است. قصد او بیان بیماری‌های اجتماعی و دردآورترین مسائل بشر و دغدغه‌های آرمانی در قالب شعر است. سلمان در منظومه «دوزخ و درخت گردو» جهان پیرامون و روند مناسبات موجود در آن را به طنز می‌کشد و با طنزی ظریف و هوشمندانه اما تلخ و گزنده جهان معاصر را سرزنش می‌کند:

کی می‌توان از سادگی تو گفت

و هم

به دریافت خرمهره «نوبل» نائل آمد

من فرزند مظلوم توأم

نه پایون می‌زنم

و نه پیپ می‌کشم

... و شعر من

عربده جانوری نیست

که از کثرت استعمال «ماری جوانا»

دهان باز کرده

...

دنیایی که انجمن حمایت از حیوانات دارد

...

و انسانی که

در بزرگ‌داشت جنایت هورا می‌کشد

و سقوط را

با همان لبخندی که بر سُرُ همی‌نشیند

جاهل است

انسانی که

راه کوره‌های مریخ را شناخته است  
اما هنوز  
کوچه‌های دلش را نمی‌شناسد

(هراتی ۱۳۸۰: ۱۷-۲۱)

### ۱۰.۴.۲ نگاهی نو به عاشورا

سلمان بارها زیبایی عظمت و بزرگی عاشورا را در اشعارش نشان داده است. او در شعر سپید «آنان هفتادودو تن بودند» معتقد است همه کسانی که می‌خواهند آزاد و باشرافت زندگی کنند، باید حسین (ع) را سرلوحه خویش قرار دهند:

هفتادودو آفتاب  
به ادامه انتشار کهکشان  
از روشنان مشرق عشق  
برآمدند  
در گذرگاه حادثه ایستادند  
پیراهن خستگی را  
با بلند نیزه دریدند  
پیش هجوم آنان  
سینه دریدند  
هفتادودو آفتاب از ایمان  
که قوام زمین  
در قیامشان نشسته بود  
فرومایگان  
دست تقلب را  
در برابر شتاب‌ناکی ایشان گشودند  
اینان به اعتماد خدا  
به اعتصام خویش نماز بردند

(هراتی ۱۳۸۰: ۲۶)



## ۱۱.۴.۲ آرمان‌گرایی دینی و انقلاب

آرمان‌گرایی از جمله مفاهیمی است که در مکتب رئالیسم به‌خصوص در رئالیسم اجتماعی وجود دارد. این آرمان‌گرایی هرگز با نگرش غربی آمیخته نمی‌شود، بلکه ریشه عرفانی دارد.

خدا! / دل سرمازده‌ام را  
در قطیفه‌ای از نور بپوشان  
دیشب یک سبد  
پر سیاوشان از باغ تو چیدم  
و برای این دل مسموم جوشاندم  
تا بیایی  
این جا روح مجروح تنهاست  
تنهاتر از تنهایی، بی‌پناهی  
این جا نه این که تو نیستی  
این جا من کورم  
یک شب به خانه من بیا  
تنم را در چشمه نور می‌شویم  
برهنه‌تر از آب  
از پله‌ها بالا می‌آیم  
آن‌گاه در برابر تو خواهم مرد  
امشب هوای چشم من بارانی است  
دل‌م را می‌خواهم  
پیش تو جا بگذارم  
زیر همان درخت  
که پیغمبران شنی‌دند  
روی بافه‌ای از شب‌نم و اشک  
ای نور نور  
چگونه می‌توان روبه‌روی تو ایستاد  
بی‌آن که سایه‌ای

سنگینمان کند  
بیا و مرا  
با عشقی ابدی هم‌آشیا کن  
(هراتی ۱۳۸۰: ۵۴)

### ۱۲.۴.۲ باور مرگ

هراتی شعرهایی دارد که مضمون اصلی آن مرگ است. مثلاً شعر «دوام باغچه»:

هوا کبود شد این ابتدای باران است  
دلا دوباره شب دل‌گشای باران است  
....  
اگر چه سینه من شوره‌زار تنهایی است  
ولی نگاه ترم آشنای باران است  
....  
بیا دوباره بگیریم چتر فاصله را  
که روی شانه گل جای پای باران است  
نزول آب حضور دوباره مرگ است  
دوام باغچه در های‌های باران است

(هراتی ۱۳۸۰: ۲۸۴-۲۸۵)

منظور شاعر این است که وقتی امام می‌آید و جمهوری اسلامی بر پا می‌شود، وطن بهارگونه می‌شود و از شادی لذت می‌بریم؛ به‌گونه‌ای به حیات دوباره بعد از مرگ اشاره دارد.

### ۱۳.۴.۲ رهبری

باتوجه به ریشه‌های اعتقادی شیعه، که در عصر غیبت فقیهی جامع‌الشرایط مرجع امور مردم و سرپرست آن‌هاست، مسئله تبعیت از رهبری از جهت اعتقادی، ملی، و توجه به آرمان‌های جامعه اسلامی ایران از جایگاه والایی برخوردار است. در این میان، امام خمینی (ره)، به‌عنوان محبوب‌ترین و تأثیرگذارترین شخصیت سیاسی و مذهبی، در اشعار انقلاب

سرمایه، منش، و میدان تولید ادبی ... (شهرام احمدی و فاطمه سادات میرزاده) ۳۵

اسلامی حضور دارد. هراتی از جمله شاعران متعهدی است که به امام (ره) در اشعارش توجه فراوان کرده است. او در یک رباعی امام را هم‌چون بهاری بر دل سرمازدهٔ مردم ایران توصیف می‌کند:

باور کنیم

دست‌های بهارآور امام را

بهار

ادامهٔ لبخند اوست

(هراتی ۱۳۸۰: ۶۲-۶۳)

و در رباعی دیگری در وصف امام می‌نویسد:

حرف تو به شعر ناب پهلو زده است

آرامش تو به آب پهلو زده است

پیشانی‌ات از سپیده مشهورتر است

چشم تو به آفتاب پهلو زده است

(همان: ۱۶۹)

بر موارد ذکر شده می‌توان مؤلفه‌های «شهدا و تکریم آنان»، «تجلیل از شهیدان با ذکر نام»، «باور ملی»، «عشق‌های مجازی»، و «برای مرحوم سهراب سپهری» را نیز افزود.

### ۳. نتیجه‌گیری

بررسی اشعار سلمان هراتی برمبنای آرای پیر بوردیو نشان می‌دهد که وی به‌عنوان شاعر دههٔ ۱۳۶۰، در دورانی که جوانان کشورمان برای دفاع از میهن راهی جبهه می‌شدند، با منش‌های خاص خود در میدان ادبیات به کنش‌های شاعرانه پرداخته است. میدان ادبی در آثار او به چهار زیرمجموعه تقسیم شد که عبارت‌اند از: میدان اجتماعی، میدان انقلابی، میدان مذهبی، و میدان فرهنگی. هم‌چنین در زمینهٔ منش شعری، رفتارهای نهادینه‌شدهٔ او که شامل تربیت خانوادگی، رویکرد فکری، جهان‌بینی، و علاقه‌مندی‌هایش می‌شود، برجسته‌تر است. بر این اساس، کنش‌های شاعر باتوجه‌به منش خاص او و سرمایه‌هایی که در اختیار داشته در میدان‌های شعری‌اش تأثیر گذاشته است. کنش هراتی پی‌آمدهٔ رابطهٔ

میان منش او و میدان یا فضای اجتماعی و انقلابی جامعه است و قابل تقلیل به یکی از آن‌ها نیست، بلکه منش و میدان (فضای اجتماعی) لازم و ملزوم یکدیگرند و در پیوند با هم معنادار می‌شوند.

هراتی به‌عنوان یک عامل اجتماعی توانست بیماری‌های اجتماعی زمان خود (احتکار و گرانی، فقر و محرومیت، غرب‌گرایی، و فاصله طبقاتی) را نکوهش کند. او در میدان اجتماعی پیوسته به دنبال پاسخی به این پرسش است که چرا عده‌ای در جهان با عنوان سلطه‌گر به فرودستان امر ونهی می‌کردند و مردم قادر به اعتراض نبودند. در میدان فرهنگی، هراتی با بیان حال و هوای جبهه و نحوه مقابله با دشمنان در اشعارش رشادت‌های رزمندگان را برای دانش‌آموزانش توصیف می‌کرد.

### کتاب‌نامه

الهی قلعه، فرزانه (۱۳۹۴)، *تحلیل اشعار هوشنگ ابتهاج براساس نظریه منش و میدان پیر بردیو*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، مازندران: دانشگاه مازندران.

بوردیو، پیر (۱۳۸۰)، *نظریه کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی*، ترجمه مرتضی مردی‌ها، تهران: نشر نقش و نگار.

بونوتیز، پاتریس (۱۳۸۹)، *درس‌هایی از جامعه‌شناسی پیر بوردیو*، ترجمه جهانگیری و حسن‌پور، تهران: آگه.

پرستش، شهرام (۱۳۹۳)، *روایت نابودی ناب - تحلیل بوردیویی بوف کور در میدان ادبی ایران*، تهران: ثالث.

پرستش، شهرام، احمد رضایی، و امین کرمی (۱۳۸۵)، «بررسی رابطه سبک زندگی و اسلوب نوشتاری صادق هدایت در میدان تولید ادبی ایران»، *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، دوره ۲، ش ۷.

پژمانفر، صبا، احمد ذاکری، و سیدحسین نبوی (۱۳۹۹)، «تحلیل بوردیویی میدان تولید ادبی شاهنامه و عادت‌واره فردوسی»، *پژوهش‌نامه ادب حماسی*، س ۱۶، ش ۱.

جمشیدی‌ها، غلام‌رضا و شهرام پرستش (۱۳۸۶)، «دیالکتیک منش و میدان در نظریه عمل پیر بوردیو»، *جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*، ش ۳۰، قابل‌بازیابی در:

<<https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?ID=70169>>.

جنکینز، ریچارد (۱۳۸۵)، *پیر بوردیو*، ترجمه حسن چاوشیان و لیلا جوافشانی، تهران: نی.

سرمایه، منش، و میدان تولید ادبی ... (شهرام احمدی و فاطمه سادات میرزاده) ۳۷

خادمی کولایی، مهدی (۱۳۸۵)، پژوهشی در زندگی و شعر سلمان هراتی (آشنای شالیزار)، ساری: شلفین.

خادمیان، طلعه (۱۳۸۷)، سبک زندگی و مصرف فرهنگی؛ مطالعه‌ای در حوزه جامعه‌شناسی فرهنگی و دیباچه‌ای بر سبک زندگی ایرانیان، تهران: مؤسسه فرهنگی - هنری جهان کتاب.

ریتزر، جورج (۱۳۹۳)، نظریه جامعه‌شناسی، ترجمه هوشنگ ناییب، تهران: نی.

سنگری، محمدرضا (۱۳۸۵)، نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس، تهران: پالیزبان.

«شاعر آسمان سبز (درگذشت شاعر انقلابی، سلمان هراتی)» (۱۳۸۴)، مجله گلبرگ، ش ۶۸.

گرنفل، مایکل (۱۳۹۳)، مفاهیم کلیدی پیر بردیو، ترجمه محمدمهدی لیبی، تهران: نقد افکار.

هراتی، سلمان (۱۳۸۰)، مجموعه کامل شعرهای سلمان هراتی، تهران: دفتر شعر جوان.

